

## تحول جهت‌گیری مذهبی در بزرگسالی: در جست‌وجوی سازه‌ای نو

### Development of Religious Orientation in Adulthood: Seeking for a New Construct

محمد‌رضا حسن‌زاده توکلی / استادیار دانشگاه قرآن و حدیث

Mohammad Reza Hasanzadeh Tavakoli (Assistant Professor, Department of Psychology  
University of Qoran and Hadith)

شهلا پاکدامن / استاد یار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Shahla Pakdaman (Assistant Professor, Department of Psychology, Shahid Beheshti University)

هادی بهرامی احسان / دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه تهران

Hadi Bahrami Ehsan (Associate Professor, Department of Psychology, University of Tehran)

#### Abstract

Data from three studies were conducted in order to identify the possible developmental aspect of religious orientation and its relation to emotional intelligence, general health, and parenting styles. Among the four dimensions of religious orientation, only religious valuation was relate to age, levels of education, and being married. 10 questions constituting the developmental dimension were extracted from the religious orientation scale. Studying the concepts of the questions and the relationship of the extracted factor with other variables indicated that it is possible to name this

#### چکیده

در پژوهش‌های پیش رو، داده‌های سه تحقیق، با هدف کشف جنبه تحولی احتمالی جهت‌گیری مذهبی و رابطه آن با هوش هیجانی، سلامت عمومی و سبک‌های فرزندپروری بررسی شد. از بین چهار بعد جهت‌گیری مذهبی فقط بعد ارزش‌گذاری دینی با سن، تحصیلات و تأهل در ارتباط است. ده پرسش از مقیاس جهت‌گیری مذهبی، که تشکیل‌دهنده عامل تحولی هستند، استخراج شد. بررسی مفهوم پرسش‌ها و ارتباط عامل استخراج‌شده با سایر متغیرها نشان داد که

factor as religion-centered happiness seeking and that it has two subscales: cognitive-effective investment and behavioral investment. The religion-centered happiness seeking is independent of emotional interest, but is directly related to emotional differentiation and effective restructuring and all aspects of general health. The relations of behavioral investment subscale with these variables were stronger the relations of other subscale to them. The accuracy of labeling the abovementioned factor was confirmed through interviews with 5 professional in psychology.

**Keywords:** Religious orientation, Development, Adulthood, Aging.

این عامل سعادت‌جویی مذهب‌محور است و دارای دو جزء سرمایه‌گذاری شناختی-عاطفی و سرمایه‌گذاری رفتاری است. سعادت‌جویی مذهب‌محور از توجه هیجانی مستقل است، اما با تمایز هیجانی و بازسازی خلقی رابطه مستقیم دارد؛ و با سلامت عمومی در تمام ابعاد آن رابطه مستقیم. رابطه جزء سرمایه‌گذاری رفتاری با این متغیرها قوی‌تر از جزء دیگر است. صحت نام‌گذاری عامل مزبور از طریق مصاحبه با پنج نفر متخصص در روان‌شناسی تأیید شد.

**کلیدواژه‌ها:** جهت‌گیری مذهبی، تحول، بزرگسالی، سالمندی.

### مقدمه

بررسی رفتارهای دینی خواه‌ناخواه قلمرو پژوهش را به روان‌شناسی تحولی می‌کشاند. وولف<sup>۱</sup> آغاز بررسی تحول دینی را با ظهور روان‌شناسی دین هم‌زمان دانسته است (وولف، ۱۳۸۶). امروزه در این باره کمتر تردیدی وجود دارد که دین و معنویت نقشی اساسی در تحول در گستره زندگی ایفا می‌کنند (لونسون،<sup>۲</sup> آلدوین<sup>۳</sup> و ایگاراشی،<sup>۴</sup> ۲۰۱۳؛ لونسون و همکاران،<sup>۵</sup> ۲۰۰۵). از دیدگاه یونگ<sup>۶</sup> مشخصه نیمه اول زندگی، ورود به واقعیت بیرونی و ویژگی نیمه دوم زندگی، ورود به واقعیت درونی است. وهله نخست زندگی با اهداف مادی و دست‌یافتنی، از قبیل پول، موقعیت اجتماعی و خانواده سر و کار دارد و مرحله دوم، پرسش‌های معنوی (غیرمادی)

1. Wulff, D. M.
2. Levenson, M. R.
3. Aldwin, C. M.
4. Igarashi, H. M.
5. Levenson, M. R.; Aldwin, C. M.; D'Mello, M.
6. Jung, C. G.

درباره معنای زندگی و هدف هستی مطرح می‌شود (پالمر، ۱۳۸۵).

ماریا بیندل<sup>۱</sup> در ۱۹۶۵ با بررسی نقاشی‌های ۸۲۵۰ دانش‌آموز کاتولیک رومی، که بین ۳ تا ۱۸ سال داشتند، چهار مرحله اصلی را در مسیر تحول دینی متمایز کرد: در مرحله اول، که بستگی ابتدایی به وجود به‌کلی دیگر است و تا هفت‌سالگی به طول می‌انجامد، الوهیت به صورت پیوند عاطفی و شخصی شده من - تو نمود می‌یابد که از هر نوع شک و تردیدی به دور است. با آغاز مرحله دوم، که نقصان در تجربه بی‌اختیار امر ربّانی نامیده شده است، واقعیت «وجود به‌کلی» به تدریج از بین می‌رود. به این ترتیب که وقتی عقل کم‌کم جای خیال‌پردازی را می‌گیرد، تسلیم محض در برابر امر اسرارآمیز، که با احساسات شدید همراه است، جای خود را به منفعت‌طلبی عقلانی‌تر و خودخواهانه می‌دهد. آغاز بلوغ با مرحله سوم، یعنی بازگشت خوددوستدارانه به خویشتن، همراه است که نه تنها با بحران بلکه با نیاز دینی توأم می‌شود. در این مرحله، نوجوان به فردی بدل خواهد شد که یک‌باره و برای همیشه، تنها و آزاد در مقابل خدای خود می‌ایستد. در مرحله نهایی، که تلاش آگاهانه برای رسیدن به تعالی است، تخیل، که از بند خواهش‌های خوددوستدار رها شده، بار دیگر می‌کوشد تو متعالی را به وجودی زنده بدل کند که پیش از هر چیز به رنگ اشتیاق دینی درمی‌آید و احساس می‌شود. بیندل نتیجه می‌گیرد که شکل‌گیری تصاویر دینی امری ضروری است که به تجربه دینی وضوح و عمق بیشتری می‌دهد و از این رهگذر فرآیند تحول را تحت تأثیر می‌گیرد (وولف، ۱۳۸۶).

تئوفیل تون<sup>۲</sup> با استفاده از آزمودنی‌هایی از سه گروه سنی مجزا، طرح کلی دین‌ورزی را در مسیر زندگی ترسیم کرد. وی آزمودنی‌هایش را ترغیب می‌کرد که اندیشه‌ها و تجربه‌های دینی خود را تا حدّ ممکن آزادانه و آشکار بیان کنند. تون شش خطّ سیر مشخص را که سرنوشت دینی در پیش می‌گیرد شناسایی کرد: ۱. شخصیت‌هایی که تحول دینی آنها از زمان کودکی دستخوش بحران نشده است؛ ۲. فردگرایانی که در چارچوب آنچه از والدین و نیاکان خود به

1. Bindl, M. F.

2. Thun, T.

ارث برده‌اند تحول دینی مستقلی داشته‌اند؛ ۳. کسانی که تغییر دین داده‌اند؛ ۴. جویندگانی که از دین موروثی خود بیزار شده‌اند و به جماعت‌های دینی دیگر روی آورده‌اند؛ ۵. شخصیت‌هایی که سرنوشت دینی آنها تحت تأثیر ارتباط با سوسیالیسم قرار گرفته است؛ و ۶. شخصیت‌هایی که سرنوشت دینی آنها با بیزاری از مرام و مسلک موروثی شان و گسستن از هر نوع ایمان دینی شکل گرفته است (وولف، ۱۳۸۶).

از دیدگاه روان‌شناسان انسان‌نگر، مذهب و معنویت در تحول بزرگسال نقش کلیدی دارد، گو اینکه روان‌شناسان تحولی توجه زیادی به این عامل نشان نداده‌اند (سینوت، ۲۰۰۲). هر گونه بررسی تحول رفتارهای دینی با افزایش سن می‌تواند در هر دو قلمرو روان‌شناسی دین و روان‌شناسی تحول گسترش جدیدی به دنبال داشته باشد. خراسانی (۱۳۸۶) با بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سلامت عمومی و هوش هیجانی نشان داده است جهت‌گیری مذهبی یک سازه مستقل روان‌شناختی است که با مفاهیم مرسوم روان‌شناختی مشتبه نمی‌شود. با توجه به مجزای بودن سازه مزبور از متغیرهایی که غالباً در تحقیقات تحولی بررسی می‌شوند، می‌توان از این زاویه با نگاهی تازه به تغییرات تحولی پس از نوجوانی نگریست. این پژوهش در جست‌وجوی سازه‌ی سازه‌هایی تحولی در زیربنای رفتارهای دینی و با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش انجام گرفته است که: چه جنبه‌هایی از بازخورد<sup>۲</sup>های دینی، در بزرگ‌سالی متحول می‌شوند؟

## روش

پژوهش حاضر اکتشافی است و بر مبنای تحلیل مجدد یافته‌های سه پژوهش (بهرامی احسان، ۱۳۸۳؛ غلامی، ۱۳۸۶؛ خراسانی، ۱۳۸۶) از نمای تحولی انجام گرفته است.

جامعه آماری تحقیق بهرامی شامل مردان و زنان کل ایران در سال ۱۳۸۲ بوده است. نمونه این تحقیق را ۲۸۰۰ نفر از ۱۵ استان کشور تشکیل داده‌اند. خراسانی تحقیق خود را در دانشگاه علوم پایه دامغان با نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر به انجام رسانده است. نمونه غلامی

1. Sinnott, J. D.

2. attitude

نیز شامل ۱۷۱ زوج از والدین در شهر قم بوده است. متغیرهای سن، تحصیلات و تأهل که در این نوشتار با عنوان متغیرهای تحولی از آنها یاد می‌شود هسته اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. متغیری که علاوه بر سن در هر سه پژوهش مشترک است جهت‌گیری مذهبی و ابعاد آن هستند که با مقیاس جهت‌گیری مذهبی بهرامی (۱۳۸۳) سنجیده می‌شوند. این مقیاس، از ۶۴ ماده تشکیل شده است و جهت‌گیری فرد در نسبت با خدا، انسان‌های دیگر و سایر پدیده‌های هستی را منعکس می‌کند. چهار پاره‌آزمون این مقیاس عبارت‌اند از: ۱. جهت‌گیری مذهبی با ۲۸ ماده، که مستقیم و غیرمستقیم رابطه عمیق و قلبی با خدا، رابطه با مردم بر اساس آموزه‌های دینی، اتخاذ رفتارهای توصیه‌شده دینی، عاقبت‌گرایی و توجه به آخرت را نشان می‌دهد؛ ۲. سازمان‌ناپافتگی مذهبی با ۱۹ ماده که ویژگی آن تردید، دودلی و ناخشنودی از زندگی و پریشانی خاطر است؛ ۳. ارزنده‌سازی مذهبی با ۹ ماده که نشانگر ارزشیابی مثبت از مناسک مذهبی است؛ و ۴. کام‌جویی که ۸ ماده دارد و مشخص‌کننده تفسیر شخصی از دستوره‌های مذهبی و لذت‌جویی است.

اعتبار<sup>۱</sup> پاره‌آزمون‌ها بر اساس آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۶، ۰/۷۹، و ۰/۵۷ گزارش شده است (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۸۴؛ به نقل از خراسانی، ۱۳۸۶).

روایی<sup>۲</sup> این مقیاس با استفاده از تحلیل عاملی تأیید شده است. این مقیاس یک نمره کلی هم دارد که بر اساس بارهای عاملی چهار پاره‌آزمون در تحلیل عاملی مرتبه دوم محاسبه می‌شود (بهرامی احسان، ۱۳۸۳). همچنین، تحقیقات متعدد شواهد فراوانی درباره روایی سازه<sup>۳</sup> این مقیاس فراهم آورده‌اند (بهرامی احسان و همکاران، ۱۳۸۴؛ غلامی، ۱۳۸۶؛ خراسانی، ۱۳۸۶).

در پژوهش حاضر، از اطلاعات حاصل از به‌کارگیری پرسش‌نامه سلامت عمومی و هوش هیجانی در پژوهش خراسانی و پرسش‌نامه تشخیص سبک‌های فرزندپروری در پژوهش

1. reliability
2. validity
3. construct validity

غلامی نیز استفاده شده است. خراسانی هوش هیجانی را با مقیاس رگه‌های فراخلقی<sup>۱</sup> اندازه‌گیری کرده است. این مقیاس، که بر اساس دیدگاه غیرترکیبی ساخته شده و از الگوی پردازش اطلاعات تبعیت می‌کند دارای ۳۰ ماده است که حاصل آن سه نمره توجه هیجانی، تمایز هیجانی و بازسازی خلقی است.

روش تحلیل داده‌ها: در این پژوهش، ابتدا با تحلیل مجدد داده‌های بهرامی احسان (۱۳۸۳) درباره متغیرهای تحولی، عامل و پرسش‌های مرتبط با تحول کشف شد و در ادامه با استفاده از اطلاعات سه پژوهش بهرامی احسان (۱۳۸۳)، خراسانی (۱۳۸۶) و غلامی (۱۳۸۶)، به معنابخشی به عامل مرتبط با تحول مبادرت شد.

استخراج عامل مرتبط با تحول با استفاده از تحلیل عاملی صورت گرفت. سایر یافته‌ها با به‌کارگیری ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی جزئی، تحلیل واریانس چندمتغیری و تک‌متغیری و آزمون تعقیبی توکی به دست آمد.

برای تحلیل عاملی مقیاس از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. از آنجا که این نرم‌افزار در تحلیل عاملی پرسش‌هایی که با طیف لیکرت طراحی شده‌اند محدودیت دارد (SPSS تحلیل عاملی را بر اساس همبستگی پیرسون انجام می‌دهد که برای چنین پرسش‌هایی مناسب نیست)، ابتدا همبستگی‌های چندرشته‌ای<sup>۲</sup> و چندخانه‌ای<sup>۳</sup> پرسش‌های آزمون و متغیرهای تحولی بسته به مورد، با استفاده از نرم‌افزار LISREL محاسبه شد و در قدم بعدی با تکیه بر این همبستگی‌ها تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS اجرا شد.

پس از تحلیل و تفسیر داده‌ها، برای اطمینان بیشتر از نتیجه‌گیری‌ها با ۵ نفر از افراد متخصص در روان‌شناسی مصاحبه‌ای به عمل آمد.

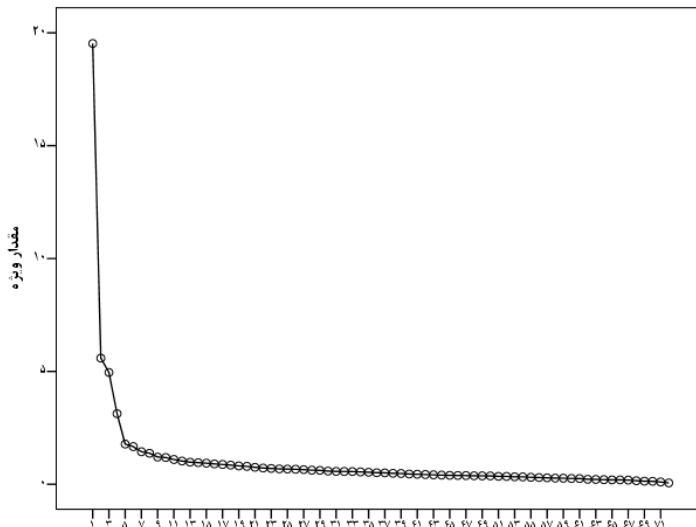
### یافته‌ها

مقدار در خور توجه KMO (۰/۹۲۵) و معنادار بودن مشخصه کرویت بارلت

1. TMMS= Trait Meta-Mood Scale
2. polyserial
3. polychoric

( $\chi^2=127511$ ،  $p=0/000$ ) نشان داد که تحلیل عاملی برای کشف ساختار زیربنایی ماتریس همبستگی مزبور کاملاً مناسب است. بر اساس تحلیل عاملی اولیه به روش مؤلفه‌های اصلی، مشخص شد ۱۲ مؤلفه دارای مقدار ویژه بالاتر از یک هستند، اما نمودار صخره‌ای (شکل ۱) ۵ عامل را پیشنهاد می‌کند. این ۵ مؤلفه بر روی هم ۴۹ درصد واریانس پرسش‌ها را تبیین می‌کنند. ادامه تحلیل بر اساس دو هدف مکمل، به دو مسیر تقسیم شد. در مسیر نخست پاسخ این پرسش جست‌وجو شد که متغیرهای تحولی سن، تأهل و تحصیلات روی کدام عامل یا عامل‌های جهت‌گیری مذهبی بار می‌شوند. دومین مسیر در جست‌وجوی پرسش‌هایی از پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی، که ارتباط بیشتری با متغیرهای تحولی دارند، پشت سر گذاشته شد.

شکل ۱: نمودار سنگ‌ریزه‌ای مقادیر ویژه مؤلفه‌ها



۱. مکان‌یابی متغیرهای سن، تأهل و تحصیلات روی عامل‌های جهت‌گیری مذهبی تجربه تحلیل با تعداد-عامل‌های مختلف و به روش‌های گوناگون استخراج و چرخش عوامل، نشان داد که بهترین راه‌حل برای داده‌های حاضر بر اساس معیار

ساختار ساده، راه‌حل چهارعاملی به روش بیشینه درست‌نمایی همراه با چرخش واریماکس است (جدول ۱). همچنین، مشخص شد در صورت حذف چهار پرسشی که در تحقیق بهرامی (۱۳۸۳) از راه‌حل نهایی حذف شده بودند (پرسش‌های ۱، ۸، ۵۳ و ۶۰)، نتیجه بهتری حاصل خواهد شد.

جدول ۱: ارزش ویژه و درصد تبیین واریانس

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس	درصد تراکمی
۱	۱۸/۶۰۴	۳۷/۷۶۷	۳۷/۷۶۷
۲	۵/۴۵۵	۸/۱۴۲	۳۵/۹۰۸
۳	۴/۷۸۹	۷/۱۴۸	۴۳/۰۵۷
۴	۲/۸۰۰	۴/۱۷۹	۴۷/۲۳۵

مکان‌یابی سؤال‌های پرسش‌نامه در فضای این چهار عامل با آنچه در تحقیق سال ۱۳۸۳ بهرامی به دست آمده است، هماهنگی زیادی نشان می‌دهد. بهرامی چهار عامل را به این ترتیب نام‌گذاری کرده است: جهت‌گیری مذهبی، سازمان‌نیافتگی، ارزش‌سازی مذهبی و کام‌جویی. از مجموع ۶۴ پرسش فقط جایگاه چهار پرسش در تحلیل حاضر تغییر کرده است. پرسش ۲۱ (خواندن نماز به جماعت بهتر از نماز خواندن به تنهایی است) از عامل ارزش‌سازی مذهبی به جهت‌گیری مذهبی؛ پرسش ۳۱ (من همواره در زندگی امیدوار هستم) عامل دوم به عامل نخست؛ پرسش ۵۱ (در برخورد با مشکلات آرامش خود را حفظ می‌کنم) از سازمان‌نیافتگی به ارزش‌سازی مذهبی؛ و پرسش ۷ (به نظر من مذهب خرافات را ترویج می‌کند) با تغییر علامت، از عامل کام‌جویی به جهت‌گیری مذهبی تغییر مکان داده‌اند. این پرسش‌ها همچنان بار عاملی در خور توجهی با عامل‌های قبل نشان می‌دهند.

متغیرهای سن و تأهل، با بار عاملی مثبت و تحصیلات، با بار عاملی منفی، بر ارزش‌سازی مذهبی بار شده‌اند. با توجه به اینکه در تحلیل داده‌ها به تأهل نمره یک و به متأهل نبودن نمره صفر اختصاص داده شده، این نتایج نشان می‌دهد که افزایش سن و متأهل شدن، با افزایش نمره فرد در ارزش‌سازی مذهبی همراه است و به نظر می‌رسد سه عامل دیگر جهت‌گیری



مذهبی، مستقل از سن، تأهل و تحصیلات باشند. ممکن است همبستگی منفی تحصیلات با ارزش‌سازی دینی، نتیجه همبستگی منفی در خور توجه تحصیلات و سن ( $r = -0/412$ ) باشد که با توجه به دامنه وسیع سن (۸۷ سال) در نمونه بهرامی دور از انتظار نیست. شاهد این فرض این است که همبستگی تحصیلات با ارزش‌سازی دینی، پس از کنترل کردن سن از  $-0/225$  به  $-0/135$  تغییر یافت.

۲. کشف پرسش‌های مرتبط با سن، تأهل و تحصیلات در پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی بهترین راه‌حلی که هدف استخراج پرسش‌های مرتبط با متغیرهای تحولی را تأمین کرد، راه‌حل پنج‌عاملی به روش بیشینه درست‌نمایی و با چرخش ابلیمین بود. با استفاده از این روش، علاوه بر چهار عاملی که با عامل‌های چهارگانه ۱۳۸۳ قابل مقایسه هستند، یک عامل جداگانه شامل متغیرهای سن، تحصیلات و تأهل نیز استخراج شد. با اینکه هیچ‌یک از پرسش‌ها به طور خاص در زیرمجموعه این عامل قرار نگرفت، بار عاملی ۱۰ پرسش بر این عامل در خور توجه است (جدول ۳). بار عاملی متغیر تحصیلات، معکوس دو متغیر دیگر و این ۱۰ پرسش است.

حضور سه متغیر مهم تحولی نشان می‌دهد که این عامل معرف جنبه‌ای از تحول است. در قدم اول برای شناختن این عامل، این ۱۰ پرسش به طور خاص تحلیل عاملی شد و در نتیجه به دو زیرمجموعه تقسیم شد که در جدول ۳ با الف و ب مشخص شده‌اند. خاطرنشان می‌شود پرسش‌های ۵، ۲۱ و ۶۶، علاوه بر مجموعه یادشده در عامل دیگر هم بار در خور توجهی دارند.

با جمع نمره‌های پرسش‌های فوق سه نمره به دست آمد که در این گزارش تا پیش از بحث و نتیجه‌گیری موقتاً عامل الف، عامل ب و عامل تحولی، نامیده می‌شوند.

جدول ۲: بارهای عاملی پرسش‌ها و متغیرها

متغیرها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	متغیرها	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴
۶۱	۰/۸۴۹	-۰/۰۶۸	۰/۰۶۸	-۰/۱۶۰	۲۰	-۰/۳۱۱	۰/۶۳۴	-۰/۱۰۸	۰/۱۴۸
۲۲	۰/۸۱۵	-۰/۰۴۲	-۰/۲۳۲	-۰/۰۷۵	۱۵	-۰/۰۱۳	۰/۶۳۲	-۰/۱۳۸	-۰/۰۰۲
۶۳	-۰/۸۱۳	-۰/۰۸۵	-۰/۰۷۴	-۰/۲۴۷	۴۹	-۰/۲۴۶	۰/۶۲۸	-۰/۰۴۹	-۰/۰۱۷
۵۸	-۰/۸۰۱	-۰/۱۱۷	-۰/۰۲۸	-۰/۱۸۲	۴	-۰/۱۱۴	۰/۶۱۶	-۰/۰۵۱	-۰/۰۴۹
۵۹	-۰/۸۰۱	-۰/۰۷۹	۰/۰۲۷	-۰/۲۴۳	۴۰	-۰/۳۱۵	۰/۵۷۶	-۰/۰۲۰	۰/۱۹۶
۲۳	-۰/۷۶۴	-۰/۱۳۱	۰/۱۱۹	-۰/۰۳۷	۳۵	-۰/۰۶۶	۰/۵۵۸	-۰/۰۹۸	-۰/۰۵۵
۶۵	-۰/۷۵۸	-۰/۰۸۹	۰/۱۴۹	-۰/۳۰۱	۱۹	-۰/۱۵۱	۰/۵۰۹	-۰/۰۲۴	-۰/۰۵۷
۲۸	-۰/۷۵۵	-۰/۰۸۹	۰/۱۳۵	-۰/۰۸۳	۴۵	-۰/۱۳۲	۰/۴۸۴	-۰/۱۶۴	-۰/۱۰۰
۶۲	-۰/۷۵۰	-۰/۱۲۰	-۰/۰۱۲	-۰/۲۲۱	۴۲	-۰/۳۱۶	-۰/۴۷۵	-۰/۳۴۹	۰/۲۶۸
۱۴	-۰/۷۴۳	-۰/۰۸۶	۰/۰۵۰	-۰/۰۵۲	۵۴	-۰/۳۲۵	۰/۴۲۲	-۰/۲۶۸	۰/۲۰۴
۲۷	-۰/۷۳۱	-۰/۱۱۴	۰/۱۷۵	-۰/۱۶۷	۱۰	-۰/۰۰۳	۰/۴۰۵	-۰/۰۸۵	۰/۰۴۷
۳۷	-۰/۷۲۹	-۰/۱۵۰	-۰/۰۲۸	-۰/۰۶۸	۷	-۰/۳۳۶	۰/۳۷۶	-۰/۰۲۱	۰/۲۹۶
۱۷	-۰/۷۰۸	-۰/۲۰۵	۰/۰۴۰	-۰/۰۵۶	۳۲	-۰/۱۵۸	۰/۳۲۲	-۰/۰۰۷	۰/۰۹۶
۶۴	-۰/۶۹۸	-۰/۱۰۲	۰/۳۴۸	-۰/۰۲۱	۲۴	-۰/۲۵۹	-۰/۲۸۰	-۰/۱۶۷	۰/۲۱۰
۲۵	-۰/۶۹۸	-۰/۱۲۴	۰/۲۶۷	-۰/۰۶۸	۶۷	-۰/۳۱۴	-۰/۱۲۲	۰/۶۹۰	-۰/۲۱۵
۳	-۰/۶۸۱	-۰/۰۵۱	-۰/۰۳۹	-۰/۰۶۸	۵۶	-۰/۰۵۰	-۰/۰۶۲	۰/۶۹۰	-۰/۰۰۶
۱۲	-۰/۶۵۶	-۰/۰۸۹	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۶	۶۸	-۰/۳۶۱	-۰/۰۹۰	۰/۶۵۳	-۰/۱۹۵
۲	-۰/۶۲۶	-۰/۱۸۶	۰/۰۶۸	-۰/۰۷۹	۲۹	-۰/۱۴۲	-۰/۰۴۱	۰/۶۲۲	-۰/۰۴۱
۱۳	-۰/۶۱۹	-۰/۱۵۲	۰/۰۱۵	-۰/۰۰۲	۶۶	-۰/۴۷۷	-۰/۱۱۳	۰/۶۰۹	-۰/۲۰۳
۵۷	-۰/۶۱۸	-۰/۱۲۹	۰/۲۸۰	-۰/۰۶۵	۵	-۰/۳۰۵	-۰/۱۸۳	۰/۵۱۶	-۰/۱۳۴
۵۰	-۰/۵۸۶	-۰/۲۵۳	۰/۱۸۴	-۰/۰۲۳	سن	-۰/۱۱۶	-۰/۰۶۷	۰/۴۳۸	-۰/۰۳۹
۹	-۰/۵۶۹	-۰/۲۴۸	۰/۳۰۶	-۰/۱۷۹	۳۶	-۰/۰۶۵	-۰/۲۱۲	۰/۴۲۷	۰/۱۷۰
۱۱	-۰/۵۴۷	-۰/۱۸۲	۰/۰۸۵	-۰/۱۹۰	۱۸	-۰/۰۸۰	-۰/۰۱۷	۰/۴۱۹	۰/۱۱۶
۵۵	-۰/۴۹۵	-۰/۱۶۱	۰/۲۹۸	-۰/۰۴۲	۵۱	-۰/۱۸۸	-۰/۳۶۲	۰/۳۷۴	-۰/۲۷۰
۴۷	-۰/۴۹۳	-۰/۱۴۶	۰/۴۱۱	-۰/۲۳۲	تأهل	-۰/۰۴۱	-۰/۲۱۴	۰/۳۶۴	-۰/۰۰۸
۲۱	-۰/۴۶۶	-۰/۱۲۲	۰/۴۰۶	-۰/۲۴۰	تحصیلات	-۰/۰۶۸	-۰/۰۵۹	-۰/۳۶۴	-۰/۰۰۷
۲۶	-۰/۴۴۲	-۰/۱۷۴	۰/۲۸۴	-۰/۳۴۱	۴۱	-۰/۱۴۸	-۰/۱۴۵	-۰/۲۸۰	۰/۲۷۴
۳۸	-۰/۴۳۰	-۰/۰۲۵	۰/۰۶۳	-۰/۱۸۲	۴۳	-۰/۲۸۹	-۰/۳۳۷	-۰/۱۵۹	-۰/۴۵۱
۴۴	-۰/۴۲۵	-۰/۱۷۲	-۰/۰۹۱	-۰/۲۸۵	۴۸	-۰/۲۶۲	-۰/۳۴۶	-۰/۲۷۱	-۰/۴۲۳
۳۱	-۰/۴۱۰	-۰/۴۰۸	-۰/۲۲۶	-۰/۲۶۲	۳۳	-۰/۱۰۱	-۰/۱۴۳	-۰/۱۰۳	-۰/۳۲۳
۳۹	-۰/۰۷۰	+۰/۷۲۲	-۰/۱۵۵	-۰/۰۲۱	۵۲	-۰/۲۲۵	-۰/۲۸۵	-۰/۰۲۱	-۰/۳۱۲
۳۰	-۰/۰۶۱	+۰/۶۹۵	-۰/۰۸۳	-۰/۰۰۸	۶	-۰/۰۲۸	-۰/۲۶۱	-۰/۲۴۱	-۰/۳۰۸
۳۴	-۰/۲۴۹	+۰/۶۶۵	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴۲	۴۶	-۰/۰۷۷	-۰/۱۳۱	-۰/۰۳۰	-۰/۳۰۸
۱۶	-۰/۱۹۹	+۰/۶۵۹	-۰/۰۷۲	-۰/۰۲۸					

همبستگی ۰/۵۵۳ بین عامل‌های الف و ب نشان می‌دهد که این دو مجموعه پرسش با وجود مجزای بودن، از یک عامل کلی‌تر اشباع شده‌اند. دلیل دیگر این مدعا همبستگی یکسانی

است که این دو عامل با سن و تحصیلات نشان داده‌اند (جدول ۴). نیز همبستگی الف و ب در نمونه غلامی، ۰/۶۷۳ و در نمونه خراسانی، برابر با ۰/۵۷۴ است.

جدول ۳: پرسش‌های مرتبط با عامل جدید و بارهای عاملی آنها

شماره	متن سؤال	بارعاملی	عامل اصلی	زیرمجموعه
۵۷	هدف من از زندگی فقط کسب رضای خداست.	۰/۳۲۵	۱	الف
۴۷	من همواره در حال توجه به خدا هستم.	۰/۳۴۲	۱	الف
۴۲	من از زندگی راضی و خوشنودم.	۰/۳۷۸	۲	الف
۵۱	در برخورد با مشکلات آرامش خود را حفظ می‌کنم.	۰/۳۱۶	۲	الف
۲۱	خواندن نماز به جماعت بهتر از نماز خواندن به تنهایی است.	۰/۳۳۸	۳	الف
۵	خوشبختی و سعادت فقط از طریق مذهب به دست می‌آید.	۰/۴۳۰	۳	الف
۶۶	من خود را فردی پایبند به مذهب می‌دانم.	۰/۳۴۶	۳	ب
۶۷	دوستانم مرا فردی پایبند به مذهب می‌دانند.	۰/۳۷۵	۳	ب
۶۸	خانواده‌ام مرا فردی پایبند به مذهب می‌دانند.	۰/۳۳۲	۳	ب
۵۶	تاکنون هیچگاه نماز من قضا نشده است.	۰/۳۳۸	۳	ب

جدول ۴: همبستگی سن و تحصیلات با عامل تحولی و اجزای آن

سن	تحصیلات	تحصیلات (با کنترل سن)	الف	ب
تحصیلات	۰/۴۱۲**			
الف	۰/۲۱۴**	۰/۱۹۴**	۰/۱۱۶**	
ب	۰/۲۲۴**	۰/۱۵۱**	۰/۰۶۷**	۰/۵۵۳**
عامل تحولی	۰/۲۵۱**	۰/۱۹۱**	۰/۱۰۰**	۰/۸۴۹**

داده‌های خراسانی و غلامی از لحاظ رابطه سن با عامل تحولی هماهنگ‌اند، اما در تضاد با نتایج حاصل از داده‌های بهرامی قرار می‌گیرند. به این ترتیب که همبستگی‌های این دو نمونه هم از لحاظ مقدار از همبستگی‌های نمونه بهرامی پایین‌ترند، هم علامت آنها معکوس شده است (جدول ۵). شاید به این دلیل که نمونه این سه تحقیق از لحاظ سن معادل یکدیگر نبوده است. نمونه خراسانی شامل افراد ۱۶ تا ۲۹ ساله و نمونه غلامی ۲۵ تا ۵۶ ساله و

به‌ترتیب دارای انحراف استاندارد ۱/۶۴ و ۴/۷۲ بوده است. حال آنکه نمونه بهرامی سنین ۱۳ تا ۱۰۰ را با انحراف استاندارد معادل ۱۴/۵۲ در بر گرفته است.

جدول ۵: همبستگی عامل تحولی و اجزای آن با سن در داده‌های خراسانی و غلامی

غلامی	خراسانی	
-۰/۰۶۰	-۰/۰۳۶	الف
-۰/۱۱۷*	-۰/۱۵۰**	ب
-۰/۱۰۳	-۰/۱۲۰*	عامل تحولی

این نکته نیز که عامل الف در داده‌های غلامی و خراسانی، با سن همبستگی معنادار ندارد تأمل‌برانگیز است.

با استفاده از داده‌های خراسانی می‌توان همبستگی عامل تحولی و اجزای آن را با سلامت عمومی و هوش هیجانی محاسبه کرد. عامل تحولی و اجزای آن در رابطه با هوش هیجانی و سلامت عمومی کاملاً هماهنگ‌اند. همبستگی آنها با توجه هیجانی معنادار نیست، اما با تمایز هیجانی و بازسازی خلقی همبستگی معنادار و مثبت دارند. در این بین، عامل ب بیش از الف با بازسازی خلقی همبستگی دارد. تمامی همبستگی‌های عامل تحولی و اجزای آن با سلامت عمومی و عناصر آن، معنادار و منفی است (با یادآوری این نکته که در پرسش‌نامه سلامت عمومی، نمره پایین‌تر معادل سلامت بیشتر است). در تمامی موارد مقدار همبستگی مربوط به عامل ب بیشتر از عامل الف است (جدول ۶).

## جدول ۶: همبستگی عامل تحولی و اجزای آن با هوش هیجانی سلامت عمومی

الف	ب	عامل تحولی
۰/۰۸۳	۰/۰۸۵	۰/۰۷۵
۰/۱۷۶**	۰/۲۸۱**	۰/۲۶۴**
۰/۲۰۳**	۰/۴۷۲**	۰/۴۰۴**
-۰/۱۵۲**	-۰/۳۱۲**	-۰/۲۷۷**
-۰/۱۹۵**	-۰/۳۷۱**	-۰/۳۳۲**
-۰/۱۷۵**	-۰/۳۸۹**	-۰/۳۲۷**
-۰/۲۰۹**	-۰/۴۶۳**	-۰/۳۸۹**
-۰/۲۳۰**	-۰/۴۸۴**	-۰/۴۱۷**

مقایسه عامل تحولی از لحاظ سبک فرزندپروری در داده‌های غلامی نشان داد که تفاوت والدین دارای سبک‌های سلطه‌جو، سهل‌گیر و مقتدر از لحاظ عامل تحولی معنادار است ( $p=0/000$ ،  $F=53/58$ ). میانگین این سه گروه والدین، در عامل تحولی به ترتیب برابر با ۱۹/۴، ۲۰/۸ و ۲۸/۷ است. آزمون تعقیبی توکی، فقط تفاوت گروه مقتدر از دو گروه دیگر را معنادار نشان داد. تحلیل واریانس چندمتغیری نیز تفاوت سه گروه والدین را در عامل‌های الف و ب تأیید کرد ( $p=0/000$ ). تعقیب این نتیجه با استفاده از تحلیل واریانس تک‌متغیری و آزمون توکی نشان داد که در خصوص عامل‌های الف و ب نیز تفاوت‌های معنادار منحصر به بیشتر بودن میانگین گروه مقتدر از دو گروه دیگر است.

مسئله دیگر برای شناختن عامل تحولی رابطه آن با سایر ابعاد جهت‌گیری مذهبی است. همبستگی عامل تحولی و اجزای آن با نمرات جهت‌گیری مذهبی بر اساس داده‌های سه تحقیق محاسبه شد. از آنجا که عامل تحولی و اجزای آن در این خصوص از یک الگو پیروی می‌کنند، برای رعایت اختصار فقط همبستگی‌های مربوط به نمره کلی عامل تحولی گزارش شده است. یافته‌های مرتبط با سه پژوهش کاملاً در تأیید یکدیگر است. همبستگی عامل تحولی با نمره کلی جهت‌گیری مذهبی، پاره‌آزمون جهت‌گیری مذهبی و ارزش‌سازی دینی،

مثبت، معنادار و بسیار بالا است. عامل تحولی با سازمان‌نیافتگی در هر سه تحقیق همبستگی منفی و در خور توجه دارد. همبستگی با کام‌جویی در هر سه تحقیق کم است و در خصوص داده‌های غلامی معنادار نیست (جدول ۷).

جدول ۷: همبستگی عامل تحولی با نمره کلی و مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی

بهرامی	غلامی	خراسانی	
۰/۶۱۷**	۰/۸۱۶**	۰/۷۲۹**	جهت‌گیری مذهبی
-۰/۳۹۴**	-۰/۶۳۰**	-۰/۵۳۲**	سازمان‌نیافتگی
۰/۸۱۰**	۰/۸۹۶**	۰/۸۷۶**	ارزنده‌سازی مذهبی
-۰/۲۰۷**	-۰/۰۴۴	-۰/۲۴۸**	کامجویی
۰/۷۱۹**	۰/۸۳۹**	۰/۸۲۲**	نمره کلی جهت‌گیری مذهبی

### بحث و تفسیر

با در نظر داشتن ارتباط معنایی بین پرسش‌های عامل تحولی دو فرضیه را می‌توان درباره مفهوم زیربنایی این عامل مطرح کرد. ما ابتدا هر یک از دو مفهوم را مستقل از دیگری تشریح می‌کنیم و در قدم بعدی با تکیه بر نقد درونی مبتنی بر تلویحات پرسش‌ها و نقد بیرونی مبتنی بر ارتباط عامل با سایر متغیرها، مفهوم مناسب را برمی‌گزینیم.

فرض اول: بار عاملی پرسش ۵ (خوش‌بختی و سعادت فقط از طریق مذهب به دست می‌آید) بر متغیرهای تحولی به نحو چشمگیری بیشتر از سایر پرسش‌ها است. با دقت در مضمون ماده‌ها می‌توان دریافت، این پرسش پیونددهنده سایر پرسش‌های این مجموعه است. در این جمله خوش‌بختی و سعادت مطرح، و راه رسیدن به آن به مذهب منحصر شده است. پرسش‌های ۴۲ و ۵۱ جنبه‌هایی از این خوش‌بختی را منعکس می‌کنند؛ پرسش‌های ۲۱، ۶۶، ۶۷، ۶۸ و ۵۶، پایبندی به سلوک دینی را مطرح می‌کنند؛ و دو پرسش ۴۷ و ۵۷ بیانگر سرمایه‌گذاری روانی انحصاری بر روی مذهب هستند.

مفهوم دقیق این عامل هنگامی روشن می‌شود که پرسش‌های فوق با پرسش‌هایی که با

آنها مشابه‌اند اما در این عامل بار نشده‌اند، مقایسه شود.

مضمون پرسش ۵۷ (هدف من از زندگی فقط کسب رضای خدا است) به پرسش ۶۴ (من سعی می‌کنم کارهایم را برای رضای خدا انجام دهم) بسیار نزدیک است و هر دو متعلق به عامل جهت‌گیری مذهبی هستند. اما پرسش ۶۴ بر عامل تحولی بار نشده است. بین مفهوم این دو ماده تفاوت ظریفی وجود دارد. در حالی که در ماده ۶۴ از تلاش به منظور کارکردن برای رضای خدا سخن رفته است، ماده ۵۷ از رسیدن به ترازوی از تحول حکایت دارد که در آن نه تنها این سعی تبدیل به رگه شخصیتی پایداری شده است، بلکه با جایگزین شدن عبارت «هدف از زندگی» به جای «کارها»، موقعیت جست‌وجوی رضای خدا را از حالت محاط در زندگی به محیط بر آن تغییر داده است. به این ترتیب، در تفاوت بین این دو ماده به وضوح نوعی حرکت تحولی به سمت سازمان‌دهی زندگی بر محور آموزه‌ای دینی دیده می‌شود. به عبارت دیگر، سعی در انجام‌دادن کارها برای رضای خدا در تمام سنین دیده می‌شود، اما در سنین بالاتر است که رضای خدا را محور زندگی قرار دادن افزایش می‌یابد.

مضمونی شبیه به پرسش ۲۱ (خواندن نماز به جماعت بهتر از نماز خواندن به تنهایی است)، در پرسش ۲۹ (من همیشه نماز را اول وقت و در جماعت می‌خوانم) تکرار شده است. هر دو پرسش متعلق به عامل ارزش‌سازی دینی است. در هر دو پرسش، توجه به نماز جماعت (که غالباً شامل نماز اول وقت هم می‌شود) ارزش‌گذاری شده است. تفاوت دو پرسش در این است که در پرسش ۲۱ ارزشیابی یک عمل از عملکرد خود فرد تفکیک شده است. به عبارت دیگر، فرد در این جمله در قیاس با ماده ۲۹ اذعان می‌دارد که: «حتی اگر من هم این کار را انجام ندهم، نماز جماعت از فرادا بهتر است». در اینجا تحولی از ارزش‌گذاری رفتار خود به سمت ارزش‌گذاری مطلق رفتار درست دیده می‌شود.

سه ماده ۴۷ (من همواره در حال توجه به خدا هستم) و ۹ (من هیچ‌گاه احساس تنهایی نمی‌کنم، چون معتقدم خداوند همراه من است) و ۱۷ (من حضور خدا را در زندگی احساس می‌کنم) اشتراک معنایی دارند و هر سه متعلق به عامل جهت‌گیری مذهبی هستند، اما فقط

ماده ۴۷ دارای بار در خور توجهی بر عامل تحولی است. در حالی که توجه به خدا در ماده ۹ به عنوان نوعی شیوه مقابله مطرح شده است، در پرسش ۴۷ به یک رگه پایدار شخصیتی ارتقا پیدا کرده است. مقایسه ماده‌های ۱۷ و ۴۷ نیز این احتمال را پیش می‌کشد که احساس حضور خدا سرآغازی برای توجه دائمی به خدا است که در مرتبه بالاتری از تحول قرار دارد و بیشتر مستلزم تغییر عمقی شخصیت است.

شاید بتوان این عامل را روان‌بنه‌ای<sup>۱</sup> تحت عنوان سعادت‌جویی مذهب‌محور<sup>۲</sup> دانست که می‌توان دو جزء الف. سرمایه‌گذاری شناختی - عاطفی و ب. سرمایه‌گذاری رفتاری را در آن بازشناسی کرد.

فرض دوم: در ۸ پرسش از این ۱۰ پرسش ارجاع به «من» تکرار شده است. نزدیک‌ترین مفهوم روان‌شناختی که از توجه به چنین تراکمی از خود-ارزنده‌سازی به ذهن متبادر می‌شود، خوددوستداری است. از این‌رو این فرض مطرح می‌شود که باید عامل مزبور را خوددوستداری مذهب‌نما<sup>۳</sup> نامید؛ یعنی ویژگی شخصی که رفتارها و ارزنده‌سازی‌های دینی را محملی برای تحقق تمایلات خوددوستدارانه‌اش قرار داده است. با قبول این فرض، دو پرسش دیگر (۲۱ و ۵) را، که در آنها اشاره مستقیم به من نشده، می‌توان چنین تفسیر کرد: در پرسش ۲۱ موقعیتی که در آن امکان ارضای تمایلات خوددوستدارانه وجود دارد ارزش‌گذاری شده است؛ و اما پرسش ۵ در اصل بیان کلی هدفی متعالی است اما شخص خوددوستدار آن را در نوعی چارچوب بسیار محدودتر تمایلات فردی خود دنبال می‌کند. ارزشیابی فرض‌ها: هر دو فرضیه فوق‌قادر به توجیه انسجام درونی پرسش‌ها هستند. اکنون می‌توانیم با مراجعه به اطلاعاتی که درباره عامل تحولی جمع‌آوری کرده‌ایم، از بین دو احتمال فوق، آن را که با واقعیت برآزش بیشتری دارد برگزینیم.

- 
1. scheme
  2. religion-oriented triumph-seeking
  3. religion-like narcissism



همبستگی عامل تحولی و هر دو جزء آن با سلامت عمومی و ۵ پاره‌آزمون آن در جهت سلامت معنادار است.

از سوی دیگر، این هر سه نمره با تمایز هیجانی و بازسازی خلقی رابطه مستقیم معنادار نشان می‌دهند.

افزون بر این، هر سه نمره به طور معناداری در والدینی که سبک فرزندپروری مقتدرانه را گزارش داده‌اند بیش از والدین سهل‌گیر و سلطه‌جو است.

اگر به نکات فوق این مطلب را هم اضافه کنیم که عامل تحولی در هر سه نمونه کمترین همبستگی (و در صورت وجود منفی) را با عامل کام‌جویی نشان داده است، درمی‌یابیم که این عامل نمی‌تواند گونه‌ای از خوددوستداری باشد و فرض اول را معقول‌تر خواهیم یافت.

اما مسئله شباهت ظاهری سعادت‌جویی به خوددوستداری پابرجا است. به عبارتی این ۱۰ ماده برای سنجش خوددوستداری دارای روایی صوری، اما فاقد روایی سازه هستند. شاید بهترین تبیین این باشد که الفاکننده خوددوستداری بودن در خصوص مجموعه‌ای پرسش، گناه آزمودنی‌ها نیست. ممکن است بتوان کسی را که به شکل ارتجالی خود را پایبند به مذهب معرفی می‌کند، خوددوستدار دانست، اما مجاز نیستیم این حکم را به کسی تعمیم دهیم که پاسخ‌پرسی را که دیگران مطرح کرده‌اند می‌دهد.

شواهد بیشتر روایی: برای بررسی بیشتر روایی نام‌گذاری فوق ۱۰ پرسش مذکور به ۵ نفر عرضه شد که عبارت بودند از مؤلف آزمون (دکتر بهرامی)، یک دانشجوی دکتری روان‌شناسی خانم و یک دانشجوی دکتری و دو کارشناس روان‌شناسی آقا. ابتدا از شرکت‌کنندگان خواسته شد به پرسش‌ها پاسخ دهند. سپس تجربه آنها در پاسخ‌گویی به پرسش‌ها واریسی شد. پس از تشریح این مطلب که پرسش‌ها با روشی آماری از مجموعه‌ای بزرگ‌تر تفکیک شده‌اند خواهش شد که در شناسایی عامل زیربنای پرسش‌ها به پژوهشگران یاری رسانند. پرسش‌ها به شکل باز مطرح شد و متناسب با پاسخ‌های شرکت‌کنندگان ادامه یافت. چند بار مصاحبه‌شونده برای قرارگرفتن در مسیر پژوهش به طبقه‌بندی کردن پرسش‌ها تشویق شد. در

این موارد، مصاحبه‌شونده‌ها کار را با طبقه‌های ۴ یا ۵ تایی شروع کردند و پس از تشویق به ترکیب کردن طبقه‌ها در طبقه‌های گسترده‌تر، نهایتاً به یک مفهوم واحد دست یافتند. در پایان تفسیرهای محقق برای مطالعه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت، و درباره آن نظرخواهی شد و به کمک آنها با نظرهای خودشان مقایسه شد.

تفسیرها همسویی بسیار داشت. همه شرکت‌کننده‌ها انسجام‌داشتن پرسش‌ها و داشتن عاملی زیربنایی را تأیید کردند (پاسخ به یکی جواب دیگری هم هست، به هم مربوط‌اند، به دنبال هم هستند)؛ همگی به پیوندداشتن اعتقاد و اعمال دینی با خوش‌بختی اشاره داشتند (کسانی در این مقیاس نمره بالایی می‌گیرند که معتقدند مذهب می‌تواند در زندگی نقش مثبت داشته باشد و عاقبت‌به‌خیری را به همراه دارد) و در نهایت همه، تفسیرهای محقق را تأیید کردند. همچنین، در اینکه پرسش ششم بیش از سایر پرسش‌ها نماینده عامل مربوط است و پیونددهنده سایر پرسش‌ها به شمار می‌رود اتفاق نظر وجود داشت.

تبیین یکی از مصاحبه‌شوندگان از ارتباط این عامل با سن این بود که با نزدیک شدن به مرگ و پیش‌بینی عقوبت، گرایش به مذهب افزایش می‌یابد و این موضوع را به مفهوم امید در برابر ناامیدی در نظریه اریکسون پیوند داد (من از زندگی راضی و خشنودم). در این خصوص، یکی از پاسخ‌دهندگان نیز پیشنهاد داد این مصاحبه با افراد سنین بالاتر نیز صورت گیرد. زیرا تجربیات خاصی دارند که جوان‌ترها با آنها آشنا نیستند. وی این مطلب را از مقایسه دیدگاه‌های فعلی با باورهای چند سال قبلش نتیجه گرفت.

دیگر یافته‌ها: این بررسی نشان داد که سازه‌ای به نام سعادت‌جویی مذهب‌محور وجود دارد که در طول سنین بزرگ‌سالی به آرامی و با نوسان‌های زیاد تحول می‌یابد و منسجم‌تر و قاطع‌تر می‌شود. افزایش سطح سعادت‌جویی مذهب‌محور با بهبود سلامت روانی در ابعاد مختلف آن همراه است. در خصوص هوش هیجانی نیز در دو بعد تمایز هیجانی و بازسازی خلقی وضع به همین منوال است. البته این موضوع که در این رابطه‌ها کدام متغیر نقش علت و کدام نقش معلول را ایفا می‌کند، یا امکان تعامل‌های پیچیده‌تر بین آنها، مستلزم تحقیقات بیشتر است.

اینکه سعادت‌جویی مذهب‌محور از توجه هیجانی مستقل است اما با تمایز هیجانی و بازسازی خلقی مستقیماً در رابطه است، جای تأمل بیشتری دارد. در درجه نخست، باید دانست کدام یک از این سه بعد هوش هیجانی، بیشتر از تحولات بزرگ‌سالی تأثیر می‌پذیرند و پس از آن باید عوامل مؤثر بر این تحول مشخص شود تا بتوان نقش علی یا معلولی سعادت‌جویی مذهب‌محور را بازشناخت.

از بین دو جزء سعادت‌جویی مذهب‌محور، سرمایه‌گذاری رفتاری بیش از سرمایه‌گذاری شناختی - عاطفی با هوش هیجانی و سلامت عمومی در ارتباط است. گو اینکه تا وقتی رهاشدن توجه فرد از غیرخدا و توجه انحصاری به او با سلوک عملی بر اساس آموزه‌های دینی همراه نشود، اثر روانی و اجتماعی آن کامل نمی‌شود.

یافته در خور بحث این بررسی، همبستگی معکوس سعادت‌جویی مذهب‌محور با تحصیلات است. این همبستگی بسیار ناچیز است و با کنترل سن، به ۰/۱- کاهش می‌یابد. این مقدار معادل یک درصد، واریانس مشترک است که جایی برای نتیجه‌گیری تأثیر منفی تحصیلات باقی نمی‌گذارد؛ شاید با این تلویحات که سازه سعادت‌جویی مذهب‌محور، مستقل از سطح تحصیلات رسمی افراد تحول می‌یابد.

\*\*\*

بر اساس یافته‌های تحقیق، سعادت‌جویی مذهب‌محور را می‌توان چنین تعریف کرد: تعریف: سعادت‌جویی مذهب‌محور روان‌بنه‌ای فراگیر در شخصیت است که با کنشی شناختی، عاطفی و رفتاری، رابطه فرد را با خود، خانواده، دوستان، وقایع، عواطف و در مجموع کل زندگی، بر محور ارتباط با خدا و در چارچوب تعالیم و دستورهای دینی سازمان‌دهی و هدایت می‌کند.

پژوهش حاضر از لحاظ نوع نگاه به تحول دینی و روش جست‌وجوی آن تازگی دارد. از سوی دیگر، ابزار به‌کاررفته در آن از فرهنگ اسلامی - ایرانی استخراج شده است. پس دور از انتظار نیست که نتوان ارتباط مستقیمی بین نتایج حاضر با پژوهش‌های پیشین برقرار کرد. اما

می‌توان در حد خطوط کلی همگرایی‌های این مفهوم‌پردازی را با ادبیات روان‌شناسی دین مشخص کرد.

پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند بسیاری از مردم برای رسیدن به معنا به مذهب روی می‌آورند و اساساً معنابخشی به زندگی یکی از کنش‌های اصلی مذهب محسوب می‌شود (پارگمنت، ۱۹۹۷<sup>۱</sup>). بر اساس اصل حفظ ارزش<sup>۲</sup> که هوفدینگ<sup>۳</sup> آن را بیانگر تمایل بنیادین تمام سنت‌های دینی می‌داند، وقتی دین ناب و اصیل باشد، همه عناصر حیات روانی با یکدیگر جمع می‌شوند و با چنان هماهنگی و نیرویی پیش می‌روند که به‌ندرت در عرصه‌های دیگر دیده می‌شود (وولف، ۱۳۸۶). مفهوم سعادت‌جویی مذهب‌محور با تمامیت<sup>۴</sup> شخصی که اریکسون در باره آخرین مرحله زندگی مطرح کرده، قابل مقایسه است (منصور و دادستان، ۱۳۷۴). البته با این تفاوت که مفهوم فضیلت خرد<sup>۵</sup> اریکسون که پیامد غلبه تمامیت «من» بر ناامیدی است (وولف، ۱۳۸۶)، در چارچوبی ناسوتی محدود می‌ماند، اما سعادت‌جویی مذهب‌محور از اعتقاد به لاهوت تغذیه می‌شود.

اهمیت نتیجه این پژوهش در درجه نخست نظری است. از آنجا که پرسش‌های تشکیل‌دهنده عامل سعادت‌جویی مذهب‌محور به شکلی کاملاً اکتشافی از پرسش‌نامه بهرامی استخراج شده‌اند، احتمال وجود نشانگرهای دیگری برای این عامل که به علت فقدان آن در پرسش‌نامه در زیرمجموعه نهایی قرار نگرفته باشند باقی است. بنابراین، پرسش‌های محل بحث نباید مستقیماً به عنوان مقیاسی برای سعادت‌جویی مذهب‌محور به کار رود. برای دستیابی به اهداف کاربردی لازم است با الهام از پژوهش حاضر، مواد دیگری که احتمال می‌رود تعیین‌کننده سعادت‌جویی مذهب‌محور باشند به مجموعه اضافه شود و در

- 
1. Pargament, K.
  2. conservation of value
  3. Höffding, H.
  4. integrity
  5. wisdom

پژوهشی مستقل پشتوانه روان‌سنجی ابزار جدید فراهم گردد. تلویح نظری بحث فوق این است که ممکن است با اضافه شدن موادی تازه به مقیاس، مشخص شود که سعادت‌جویی مذهب‌محور خود زیرمجموعه‌ای از سازه‌ای بزرگ‌تر است. مقایسه ویژگی‌های روان‌بنه سعادت‌جویی مذهب‌محور با ساخت‌هایی که در قرآن از طریق ویژگی‌هایی توصیف شده (نظیر آنچه در ابتدای سوره مؤمنون در وصف مؤمنان آمده است) می‌تواند آغاز مسیر پژوهشی جدیدی باشد.

### قدردانی

جا دارد مراتب سپاس و احترام خود را نثار عزیزانی کنیم که این کار بدون مساعی آنان صورت نمی‌پذیرفت. دکتر هادی بهرامی احسان، آقای امیرحمزه خراسانی و خانم سمیه غلامی که با در اختیار قراردادن داده‌های خود برای تحلیل مجدد ما را رهین الطاف خود کردند و دوستانی که در بخش مصاحبه کیفی ما را از دیدگاه‌های الهام‌بخش خود بهره‌مند ساختند.

### منابع

- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۳). اعتباریابی، روسازی، تعیین ساختار عاملی و هنجارگزینی مقیاس جهت‌گیری مذهبی، پژوهش منتشر نشده.
- بهرامی احسان، هادی؛ تمنایی فر، شیما؛ بهرامی احسان، زینب (۱۳۸۴). «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، سلامت روانی و اختلال‌های روان‌شناختی»، در: روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، س ۲، ش ۵، ص ۳۵-۴۲.
- پالمر، مایکل (۱۳۸۵). فروید، یونگ و دین، ترجمه: محمد دهگان‌پور و غلام‌رضا محمودی، تهران: رشد.
- خراسانی، امیرحمزه (۱۳۸۶). بررسی رابطه هوش هیجانی و جهت‌گیری مذهبی با سلامت روان در دانشجویان دانشگاه علوم پایه دامغان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور، استاد راهنما: اسماعیل سعدی‌پور.

غلامی جلیفه، سمیه (۱۳۸۶). نقش جهت‌گیری مذهبی والدین در سبک‌های فرزندپروری و خشونت خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تهران، استاد راهنما: سید سعید پورنقاش تهرانی.

منصور، محمود؛ دادستان، پریرخ (۱۳۷۴). روان‌شناسی ژنتیک: از روان‌تحلیل‌گری تا رفتارشناسی، ج ۲، تهران: رشد.

مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه (۱۳۸۲). چکیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

وولف، دیوید ام. (۱۳۸۶). روان‌شناسی دین، ترجمه: محمد دهقانی، تهران: رشد.

Levenson, M. R.; Aldwin, C. M.; D'Mello, M. (2005). "Religious Development from Adolescence to Middle Adulthood," In: R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *The Psychology of Religion and Spirituality*, New York: Guilford Press, pp. 144-161.

Levenson, M. R.; Aldwin, C. M.; Igarashi, H. M. (2013). "Religious Development from Adolescence to middle adulthood," In: R. F. Paloutzian & C. L. Park (Eds.), *The Psychology of Religion and Spirituality*, New York: Guilford Press, pp. 144-161.

Pargament, K. (1997). *The Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice*, NY: The Gilford Press.

Sinnott, J. D. (2002). "Introduction: Special Issue on Spirituality and Adult Development," Part III, *Journal of Adult Development*, Vol. 9, No. 2, pp. 95-96.